

## پیام ولیّ امرالله به همه بهائیان

### حضرت شوقی افندی هیچ‌گاه سکوت نکرد!

دشمنان دیانت بهائی با متهم کردن اولین ولیّ امرالله حضرت شوقی افندی به سکوت، این دیانت را مورد انتقاد قرار می‌دهند در حالی که **حضرت شوقی افندی نوشته‌اند:**

«الواح وصایا توأم با کتاب اقدس به منزله گنجینه گرانبھائی است که عناصر پر بهای مدنیّت الهیّه را که تأسیس مقصد اصلی دیانت بهائی است در بر دارد. مطالعه دقیق این دو سند مقدّس نشان می‌دهد که هر دو با یکدیگر ارتباطی نزدیک دارند و هر دو مقصدشان یکی است و دارای روش واحدی هستند. در نظر هر محقق منصفی مواد مندرجه در آن دو کتاب مقدّس نه تنها با یکدیگر تضادّ و ناسازگاری ندارند بلکه بر عکس مکمل و مؤید یکدیگرند و دو جزء لا یتجزّی از یک واحد به شمار می‌روند»

(توقیع مورّخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹، نظم جهانی حضرت بهاءالله، ص ۳)

**و گرچه ایشان نوشته‌اند:**

"وعود الهیه و بشارات سامیه که از قلم اعلی و کلک ملهم موید مرکز عهد و میثاق نازل گشته بمدلول این آیه مبارکه حتمی الوقوع است. قوله الاحلی: "وآنچه از قلم جاری البته ظاهر شده وخواهد شد ولایبغی من حرف الا و قدیراه المنصفون مستویا علی عرش الظهور" ..."

(توقیع ۶ مارچ ۱۹۲۵ توقیعات مبارکه ص ۲۱۹)

**و فرموده اند:**

"هر آنچه در الواح وصایای [حضرت عبدالبها] نوشته شده، محقق خواهد شد. بهائیان نباید از این جهت نگرانی داشته باشند."

معهدا ایشان بر طبق دستور واجب الاطاعه حضرت عبدالبها در الواح وصایا که میفرمایند:

" باید ولیّ امر الله در زمان حیات خویش من هو بعده را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد "

عمل ننموده اند و آنها می گویند:

اگر ایشان ( حضرت شوقی افندی ) نمیتوانست "در زمان حیات خویش من هو بعده را تعیین نماید" این بدان معنا است که نظم اداری امر بهائی ناقص است و خوب طراحی نشده است و . . .

این برداشت غلط و نادرست دشمنان دیانت بهائی بر پایه دروغهای اهریمنی بیت العدل بدلی می باشد که می گوید :

"ابداً جای شک نیست که در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، حضرت شوقی افندی مرجعی بود که جانشین خود را تعیین نماید، ولی آن حضرت فرزندی نداشتند همه اغصانی که حیات داشتند عهد و میثاق الهی را نقض کرده بودند. بنا بر این، همان طور که حضرات ایادی امر الله در سال ۱۹۵۷ اظهار داشتند، واضح است که کسی نمانده بود که آن حضرت بتوانند برطبق نصوص الواح وصایا به جانشینی خود انتخاب نمایند. .... این حقیقت که حضرت شوقی افندی وصیت نامه ای از خود به جای نگذاشته اند نمی تواند استغفرالله حمل بر عدم اطاعت ایشان از حضرت بهاء الله تلقی گردد بلکه باید اذغان کنیم که در همین سکوت حضرتش حکمتی نهفته و نشانه ای از هدایت مصون از خطای آن وجود مبارک است"

(نامه مورخ ۲۷ می ۱۹۶۶ بیت العدل بدلی)

متن زیر بیانیه ایادیان امرالله پیشین ، پس از اجتماع و شور و مشورت آنها ، در سال ۱۹۵۷ است:

« ۹ تن از ایادیان ، از آنها که ساکن ارض اقدس و سایر قاره های شرق و غرب بودند ، به همراه امه البها ، روحیه خانم ، صندوق و کشوهای میز کار ولی امر محبوب را شکستند و محتویات ارزشمند آنرا بدقت بررسی کردند. آن ایادیان سپس به بقیه جمع ایادیان که در خانه حضرت بهاءالله در بهجی اقامت داشتند ملحق شدند و به اتفاق تایید کردند که حضرت شوقی افندی هیچ وصیتنامه ای نداشته است آنها همچنین تایید کردند که ولی امر الله محبوب هیچ ارثیه ای از خود باقی نگذاشته است»

(Ministry of the Custodians, p. 35)

الواح وصایای حضرت عبدالبها روشن میسازد که :

" حصن متین امر الله باطاعت مَنْ هو ولی امر الله محفوظ و مصون ماند "

و چنین مقرر میدارد که: "باید ولی امر الله در زمان حیات خویش من هو بعده را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد ." و نه به شکل انتصاب بوسیله وصیتنامه که معمولاً بعد از فوت شخص خوانده و مشخص می گردد.

ولی امر الله نمیتواند سکوت کند و اولین ولی امر الله هیچگاه سکوت نکرد. از سکوت چه هدایتی حاصل است ؟ و چه برداشتی میتوان کرد جز باز کردن راه به سوی فرضیات و روایات؟

حضرت شوقی افندی بهتر از ایادیان خطاکار و هر کس دیگری میدانستند که فرزندی ندارند و تمامی فرزندان و بازماندگان حضرت بهاءالله هم نقض عهد و میثاق کرده و طرد شده اند. در پیامی که از جانب ایشان به یکی از احباً نوشته شده است و مطلب آن در بهائی نیوز شماره ۲۳۲ مورخه ژوئن ۱۹۵۰ ، ص ۸ ، چنین درج شده است:

"ایشان حضرت شوقی افندی احساس میکنند که اگر . . . در آیات منزله و اصول امر الهی تعمق بیشتری معمول دارند به مفهوم ولایت امر الله واقف خواهند شد. وقتی شخصی قلباً و عقلاً به درک این حقیقت فائز شود که خداوند انسان را بوسیله مظهر الهی مصون از خطا در هیکل انسانی هدایت و راهنمایی

میفرماید تنها نتیجه منطقی پذیرش این حقیقت چنین خواهد بود که مقام حضرت عبدا البها و اولیاء امرالله پذیرفته شود. ولأه امرالله نشانه بلوغ نوع بشر هستند به این معنی که بلاخره انسان در حدی پیشرفت نموده که دنیای متحدی با مدیریتی واحد برای نظام جهانی بشر داشته باشد و در حیطة روحانی نیز به مقامی ترقی نموده که خداوند میتواند امور امر را در این دور مبارک به دست بشر بسپارد (یعنی ولأه امرالله) که بفرموده حضرت عبدالبهاء در الواح مبارک وصایا مستقیماً از سوی حضرت بهاءالله و حضرت باب هدایت میشوند. معنی اینکه امروز روزی است که شب در پی ندارد اینست که تا پایان دوران دیانت بهائی راهنمایی و فیض خداوند ابتدا توسط حضرت عبدالبهاء و سپس از طریق ولأه امرالله به بشر خواهد رسید اگر کسی نائل به ایمان و ادراک مقام حضرت بهاءالله شود در پذیرش این حقیقت که ایشان افرادی را که در امور امرالله مهتدی به هدایت الهی هستند تعیین فرموده مشکلی نخواهد داشت."

(Directives from the Guardian, p.34)

سه سال قبل از صعود حضرت شوقی افندی به ملکوت ابهی ، والری آلن و جان آلن ، در یادداشت‌هایی از دوران زیارت خود نوشته اند :

" از جناب ولی امرالله پرسش شد ، آیا معنای این آیه انجیل "امروز روزی است که شب در پی ندارد " آنست که مظاهر الهیه بعدی مورد آزار قرار نمی گیرند و بلافاصله از سوی مردم تایید خواهند شد؟ ایشان پاسخ دادند: " نه، همواره شر در دنیا وجود خواهد داشت، و بدون شک ظهورات بعدی هم آزار خواهند دید اگر چه کمتر." بلکه معنای آیه انجیل این است که ولأه امرالله منابع هدایت و حفاظت از امرالله خواهند بود تا زمان آمدن ظهور بعدی که ممکن است زودتر از ۶۰۰۰ سال بعد ظاهر نشود اگر چه بنابر نیاز این امکان وجود دارد که در هر زمانی پس از گذشت ۱۰۰۰ سال بیاید.

ما اندکی به این فکر می کردیم که با توجه به اینکه مردم تحت هدایت و امر و فرمان ولایه امرالله هستند دیگر چه دلیلی دارد که ظهور بعدی را تصدیق نکنند که حضرت شوقی افندی به نحوه عملکرد ولایه امرالله پرداخت. او تاکید کرد که معصومیت و مصون بودن ولی امرالله مهمترین چیز برای جلوگیری از تفرقه و شکاف و دسته بندی در امر است. کسی نباید بگوید که ایشان تنها در تفسیر و تبیین نصوص مصون از خطا است بلکه او در هر زمینه ای که خود را مصون از خطا دانسته مصون از خطا و معصوم میباشد. او تنها کسی بود که میدانست چه زمانی در تحت عصمت و مصونیت از خطا قرار دارد این ماهیت عصمت است. صرفنظر از اینکه او درباره چه چیزی صحبت میکرد اگر میگفت که صحبتش مصون از خطا است پس چنین بوده است و اگر غیر از آن و در حد یک پیشنهاد بود او خودش آنرا اعلام می کرد. در گفتارش درباره ولی امرالله بعنوان رئیس بیت العدل عمومی ایشان گفت که اگر ولی امرالله بگوید که از موضع عصمت صحبت میکند بیت العدل ناگزیر باید مرجعیت و اقتدار ولی امرالله را بپذیرد زیرا این عین عبارت حضرت عبدالبها در الواح وصایا است که می فرماید: "عضای بیت عدل و جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله باید کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجه و خضوع و خشوع را به ولی امرالله داشته باشند" ایشان با قدرت و اقتدار درباره جایگاه ولی امرالله، اختیارات و عملکرد ولایت امرالله صحبت میکردند.

(Haifa Impressions by Valera Allen and John Allen 1954-12 , p 12)

[http://bahai-library.com/allen\\_haifa\\_impressions](http://bahai-library.com/allen_haifa_impressions)

پاسخ حضرت شوقی افندی به سوال یکی از زائرین کمی قبل از صعودشان در سال ۱۹۵۷ توسط ایزابل صبری Isobel Sabri اینگونه ثبت و درج شده است:

"از ولی امرالله سوال شد، که آیا مظهر الهی بعدی هم همچون حضرت بهاءالله و پیامبران پیشین الهی مورد مخالفت و انکار قرار می گیرند؟"

در آینده وقتی مظهر بعدی بیاید ولی امر آن زمان او را به مردم معرفی خواهد کرد و از آنها می‌خواهد که او را تصدیق نمایند. اگر او این کار را نکند پس مصونیت از خطای او برای چیست؟ این یکی از مهمترین کارهایی است که او انجام خواهد داد. به این ترتیب مخالفت با مظهر الهی بعدی بسیار کمتر از مظاهر قبلی خواهد بود زیرا حوزه مخالفت محدود و اندک خواهد بود. "امروز روزی است که شب در پی ندارد" به معنای آنست که دیگر هدایت الهی از جهان رخت نخواهد بست .

یادداشتها زائرین - Isobel sabri، ۲۳ آپریل ۱۹۵۷

[http://bahai-library.com/sabri\\_pilgrims\\_notes](http://bahai-library.com/sabri_pilgrims_notes)

یادداشت ویلیام الیسون در سال ۱۹۵۷ که آخرین زائر بهائی بود که حضرت شوقی افندی اولین ولیّ امر الله را در حیفا ملاقات کرد: (ص ۳)

"ولیّ امر الله فرمودند که در آینده پادشاهان بهائی خواهیم داشت. ایادیان امرالله با سازمان و تشکیلات خاص خودشان آن پادشاهان خواهند بود. وظایف و مسئولیت آنها بطور خاص و مشخص تبلیغ و تحکیم امر خواهد بود. ایادیان امرالله برتر از اعضای بیت العدل خواهند بود.

حقوق الله: در این باره، در سالهای بعد بیشتر توضیح داده میشود. حقوق الله برای پاک کردن ثروت و درآمد شخص است .

ولایت امرالله نصوص را تبیین، ایادیان را هدایت، ریاست بیت العدل را بعهدده خواهد داشت و به تعیین حدود قانونگذاری و صلاحیت آنها میپردازد".

[http://bahai-library.com/allison\\_pilgrims\\_notes](http://bahai-library.com/allison_pilgrims_notes)

در واقع حضرت شوقی افندی بر اساس مفاد الواح وصایای حضرت عبدالهبا در زمان حیات خویش جانشین خود را تعیین کرد. حضرت شوقی افندی در ژانویه ۱۹۵۱ در تنها اعلامیه ای که در دوران ۳۶ ساله ولایت خود منتشر ساختند تشکیل اولین شورای بین المللی بهائی، بیت العدل عمومی حقیقی در مرحله و شکل جنینی اش

را اعلام و طی تلگرام مورخ ۲ مارس ۱۹۵۱ جناب میسن ریسی را بعنوان رئیس و رأس بیت العدل عمومی جنینی یعنی ولی امرالله بعدی منصوب کردند. ریاست بیت العدل از جمله وظایف و مقامات خاص و منحصر به ولی امرالله می باشد و کسی غیر از ولی امرالله نمیتواند این جایگاه را تصدی کند .

رئیس بیت العدل عمومی حقیقی از قبل تعیین شد و این مقام بخش جدایی ناپذیری است از اختیارات و مسئولیتهای ولی امرالله که در الواح وصایای حضرت عبدالبها مندرج است. رئیس این نهاد و موسسه ولی امرالله است که از سوی ولی امر پیشین تعیین میگردد. هیچکس در سراسر کره ارض صلاحیت ندارد که " رئیس مقدس " این موسسه را بر کنار و شخص دیگری را بجای او قرار دهد .

جناب میسن ریسی از سوی اولین ولی امرالله منصوب گشت و پس از صعود حضرت شوقی افندی هیچکس صلاحیت برداشتن او را از این مقام ندارد. علاوه بر این هیچکس اختیار و صلاحیت انحلال شورای بین المللی بهائی که همه اعضای آن توسط اولین ولی امرالله منصوب شدند را ندارد. همان طور که در اعلامیه انتصاب این موسسه درج شده است آن شورا باید به " محکمه رسمی بهائی " تحول و تکامل یابد ، " که در واقع پیش درآمد و مقدمه ضروری موسسه بیت العدل عمومی است می باشد " و به آنگونه که صریحاً در توفیق و تنها اعلامیه ای ایشان در ۹ ژانویه ۱۹۵۱ ذکر شده است در مرحله بعدی تکامل هنگامی که محکمه رسمی بهائی به " یک نهاد انتخابی تبدیل وضعیت میدهد " رئیس و رأس آن کماکان در جایگاه خود باقی خواهد ماند در حالیکه اعضای آن انتخاب خواهند شد.

**" و شخص معین باید مظهر تقدیس و تنزیه و تقوای الهی و علم و فضل و کمال باشد. "**

(حضرت عبدالبها ، الواح وصایا ، ص 13)

در حالیکه تعیین جانشین ارتباطی با نوشتن وصیتنامه ندارد و تعیین جانشین باید در زمان حیات ولی امرالله پیشین صورت گیرد و حضرت شوقی افندی نیز ولی امر دوم را در دوران زندگانی خود منصوب و معرفی نمود این مسئله که ایادیان امر پیشین با هدایت روحیه خانم همسر اولین ولی امرالله وصیتنامه او را نیافتند

نباید منجر به این نتیجه گیری شود که او اصلاً وصیتنامه ای ننوشته بوده است. حضرت شوقی افندی همواره بر اساس حکم کتاب اقدس بهائیان را ترغیب میکرد که وصیتنامه ای بنویسند: " بر هر فرد فرض است که وصیتنامه بنویسد". لذا بسیار بعید است که او خودش وصیتنامه ای ننوشته باشد. ولی بهرحال همانطور که قبلاً بیان شد تعیین جانشین ولی امرالله لازم نیست که از طریق نوشتن یک وصیتنامه باشد.

متن زیر توسط روحیه خانم نوشته شده و در کتاب

(Custodians, Ministry of the Custodians, p. 11) درج گشته است:

"مبالغ بیشتری برای حفاظت بیشتر در سوئیس بنام او ( حضرت شوقی افندی ) و من بودیعه گذاشته شده بود و من پس از انتخاب بیت العدل ، آنرا به آنها منتقل کردم"

این بحث پیش می آید که ممکن است وصیتنامه حضرت شوقی افندی حاوی توضیحاتی درباره چگونگی تعیین جناب میسن ریمی بعنوان جانشین خویش در ۲ مارس ۱۹۵۱، بوده در همان بانک سوئیس به امانت سپرده شده و دسترسی به آن تنها بوسیله روحیه خانم امکان پذیر بوده است ولی روحیه خانم ایادیان را تنها به گاو صندوق و میز کار حضرت شوقی افندی در دفتر کارش هدایت کرده است.

حضرت شوقی افندی هیچگاه سکوت نکرد و نوشته های او بهترین دلیل است . حضرت شوقی افندی در طول مدت ۳۶ سال ولایت و در پایان آن دوره این را به صراحت روشن کردند که حضور ولایه امرالله تا پایان دور بهائی ادامه خواهد یافت و در نوشته های خود مکرراً به ولایه امرالله در آینده اشاره کرده است .همچنین بسیاری از یادداشتها و نوشته های زایرین ارض اقدس اسناد و شواهد و شهادتهای مکتوبی است از کلمات و سخنان شوقی افندی که درباره ولایه امرالله در آینده و تاکید او بر ادامه مقام ولایت امرالله تا پایان دوران دیانت بهائی .

دیدار روت مافت از مرکز جهانی در سپتامبر ۱۹۵۴ (بخش II ، B ، ص ۲۰)



یک شب حضرت ولی امرالله فرمودند " خاطرات و یادداشتهای زایرین بسیار اهمیت دارند. آنها را باید با دقت تمام نگهداری کرد زیرا روح و معنویت اعتاب مقدسه و جایگاه ولایت امرالله را با خود دارند و احساسات دست اوکی را منتقل میسازند که تلگرامها و نامه ها نمیتوانند آن احساسات را منتقل سازند. البته آنها الزام آور نیستند زیرا توسط حضرت عبدالبها یا ولی امرالله نوشته نشده اند ولی بسیار مهم هستند و باید به آنها توجه جدی شود.

<http://bahai-library.com/moffett-pilgrims-nots-2>

در سال ۱۹۵۷، هنگامی که اولین ولی امرالله به ملکوت ابھی صعود کرد بر اثر شرایطی که توسط روحیه خانم و ایادی سابق که از او پیروی نمودند ایجاد شد، با این ادعای ناصواب و غلط که پس از شوقی افندی دیگر کسی را در مقام رهبری جامعه بهائی نداریم ایادی سابق امرالله که فاقد اختیارات اداری و اجرائی بودند و نه میتوانستند چنین اختیاراتی داشته باشند به خود اجازه دادند که جایگاه و اختیارات ولی امرالله را مصادره و تصاحب کنند. آنها برای انجام خواسته خود این حقیقت را که حضرت شوقی افندی قبلاً بالاترین تشکیلات اداری امر را بنیاد نهاده نادیده گرفتند. و روشن نیست که چرا بهائیان میبایست " به ایادیان امرالله متوسل شوند " که روحیه خانم به بهائیان جهان از طریق ارسال تلگرامی تکلیف نمود، در حالیکه آنها باید به موسسه و نهاد بین المللی عالی بهائی (اولین شورای بین المللی بهائی) که از سوی خود ولی امر فقید تاسیس گردیده بود متوسل میشدند .

اگر لازم بود که گروه ۹ نفره ای به اداره اموردیانت بهائی پردازد چرا این گروه همان بیت العدل عمومی در مرحله جنینی نباشد؟ مانند محافل ملی و محلی به ویژه که همه اعضای آن " شورای بین المللی " از سوی خود ولی امرالله تعیین و منصوب گردیده بودند.

ایادی پیشین هیچگونه اختیار و صلاحیتی برای ابراز این عبارت را نداشتند که:

**«ما از میان خود تعدادی را تعیین می کنیم که از سوی ما بعنوان کارگزاران آیین جهانی بهائی به فعالیت پردازند . . . تا بر اساس تصمیمات و دستوراتی که به تناسب زمان به آنها میدهیم بعنوان کارگزاران عالی**

آیین جهانی بهائی اقدام کنند . . . تمام این اقدامات و حقوق و اختیارات بعنوان جانشین ولی امرالله آیین بهائی صورت خواهد گرفت».

(The Ministry of the Custodians, p. 29)

شورای بین المللی بهائی نهاد قانونی و مشروع و بالاترین نهاد در جامعه بهائی بود در حالیکه در جهت مقابل یادیان امر دارای هیچگونه اختیارات اجرایی در امر نمیباشند و امروز دیگر همگان این عبارت معروف روحیه خانم را دیده یا شنیده اند که " بدون داشتن سند معتبری که ما را تایید کند. چگونه زمام امور و قدرت را بدست بگیریم "

این نکته بسیار مهم است که ایادی سابق با نادیده گرفتن این حقیقت که اولین ولی امرالله با تعیین و انتصاب رئیس بیت العدل جنینی - جایگاهی که تنها ولی امرالله میتواند بر آن تکیه بزند جانشین خود را تعیین و معرفی کرده بود، عملاً خود را از جایگاه ایادی امر خلع کردند.

«دست قدرت مطلقه پروردگار، امر او را بیش از پیش محکم و استوار کرده است. توفانهای ساخته بشر ناتوان تر از آنست که پایه های آنرا سست کند، همچنین تئوریهها و خیالپردازی های انسانها نخواهد توانست به ساختار آن آسیبی وارد کند.»

(Shoghi Effendi, The World Order of Baha'u'llah, p.109)

" ... انه وضع امره على اساس ثابت راسخ متين لا تزعزعه ارياح العالم ولا اشارات الأمم ... "

(دور بهائی ص ۲۳)

نصرت الله بهره مند

۲۰ مارس ۲۰۱۷